تاریخچه روستای قزآن

نام باستانی قزآن

یوسف تجاری پژوهشگر، محقق و منجم قزآنی در وصف این روستا می گوید: قزآن نامی است که حداقل قدمت هزار ساله دارد.

نام قدیمی قزآن «کاسوان» بوده و این نام قدمتی بیش از چهارهزار سال دارد. هرچند سند معتبر تاریخی در دست نیست ولی دلایلی دارم که تا حد زیادی موید این نظریه است. پیش از آن لازم است اشاره ای مختصر به تمدن کاسی ها داشته باشیم.

کاسی ها

پیش از ورود اقوام آریایی مـاد و پارس به فلات ایران، قوم آریایی دیگری به نام کاسی هم زمان با ایلامی ها در ایران سکونت داشتند. آنها از هزاره سوم پیش از میلاد مسیح و حتی پیش تر از آن از راه قفقاز وارد ایران شده بودند. نام خدایی که آنها می پرستیدند کاسو بود و به این دلیل آنها را کاسی یا کاسیت می نامیدند. نام برخی مکانهایی که در آن زندگی می کردند نیز دارای کلمه «کاس» بوده است که تعدادی از آنها هنوز هم رایج است. دریای خزر را کاسپین نامیدند که هنوز هم نام بین المللی این دریا کاسپین است. شهری به نام کاسپین هم ساختند که هزاران سال بعد (پس از حمله اعراب) به قزوین تبدیل شد. حوالی تپه های سیلک را کاسان نامیدند که سپس به کاشان تبدیل شد. منطقه جلگه شوش در لرستان تا خوزستان را کاشن نامیدند. منطقه ای در شرق ترکیه را کاسی تویلیاش نامیدند. شهر همدان را ساختند و آکسیان نامیدند. برخی روستاها که هنوز نام قوم کاسی بر آنها باقی مانده عبارتند از: کاشانک حوالی تهران، کاشگاه حوالی قزوین، کاشانتو در کرمانشاهان، کاسمند حوال آمل، کاسان حوالی فومن، کلکان حوالی بیرجند، کلکسان حوالی کازرون و کاسوا حوالی دستجرد قم و غیره.

و اما دلایلی که تایید کننده نام باستانی کاسوان برای قزآن است:

۱- همان گونه که نام شهر کاسپین معرب گشته و به قزوین تبدیل شده، کلمه کاسوان اگر به همان شکل معرب شود تبدیل به قزآن می شود.

۲- همان گونه که تحت تاثیر گویش های محلی نام روستای وزوان به وجگون تبدیل می شود، کلمه کاسوان تحت اثر همان گویش های محلی به کجگون تبدیل می شود.

۳- زبان قهرودی (میمه ای) باز مانده از انواع زبانهای باستانی ایرانی است که کمتر تحت تاثیر زبانهای عربی و غیره قرار گرفته و اصالت خود را بهتر حفظ کرده است. در این زبان به قزآن کجاوون گفته می شود که با کلمه کاسوان نزدیکی دارد.

۴- وقتی در شهر کویری کاشان آثار تمدن چند هزار ساله پیدا شد، روستاهای کوهستانی و به خصوص منطقه پیلاقی قزآن خالی از اهمیت نبوده است. بدیهی است که کاسی ها در این منطقه نیز می زیسته و به احتمال زیاد برای نام گذاری این منطقه پربرکت و آبخیز از پیشوند «کاس» که برای آنها مقدس بوده استفاده کرده اند.

۵- در اسناد مالیاتی زمان آل بویه یعنی حدود ۱۰۰۰ سال، پیش نام این روستا کوتن ذکر شده که این کلمه با کلمات کاسوان و کجگون و قزآن شباهت دارد.

موزخین تاریخ را برای کشورها و شهرها و شاهان و غیره نوشته اند نه برای روستاها و مردم عادی و نه برای اتفاقات موضعی و به ظاهر کوچک. اما وضعیت روستاییان در خلال تاریخ همواره بغرنج تر از شهرنشینان بوده است. شهرها هنگام تهاجم دشمن از سه جهت امن تر از روستا بوده است همچنین یاغیان و راهزنان روستاها را از اهداف مناسب خود می دیدند که دلیل آن یکی پراکندگی روستاییان و دیگر وجود کوهها و کمین گاه ها است. اگر کشور در هر قرن یک یا دوبار در معرض تهاجم دشمن بوده است، روستاییان هرسال و هرماه در معرض تهاجم دزدان و اغیار بوده اند. همچنین عدم وجود امکانات رفاهی و آموزشی و بازرگانی و درمانی و غیره از عوامل مشکل ساز روستاها بوده اند. از مشکلات و حوادث تلخ و گاه شیرین، حتی یک درصد هم به رشته تحریر در نیامد و فقط سینه به سینه آن هم برای یکی دو قرن بیشتر در خاطرات خود روستاییان باقی نماند و عمدتا فراموش گشت.

قزآن حداقل دو بار در طول تاریخ مورد توجه دولت قرار گرفته است که یکی دوره سلجوقی و دیگری دوره صفوی بوده است.

عنوان برخی از حوادثی که برای قزآن و حوالی آن از دوره ساسانی تا کنون اتفاق افتاده و مستقیم یا غیر مستقیم بر قزآن تاثیرگذار بوده عبارتند از :

- تصرف این منطقه از ایران توسط اردشیر اول سلسانی و پایان سلسله اشکانی در سالهای ۲۲۳ و ۲۲۴ میلادی.
- حمله اعراب ، تسخیر مناطق قم و کاشان و اصفهان به دست سپاهیان ابوموسی اشعری در سال ۲۴ هجری قمری.
- تصرف مناطق ری و کاشان و اصفهان توسط مرداویج زیاری و رهائیدن از سلطه خلفای عباسی و انتقال حکومت به حسن ملقب به رکن الدوله از دیالمه آل بویه حدود سال ۳۲۰ قمری.
- تصرف این منطقه توسط محمود غزنوی در سال ۴۲۰ قمری.
- تصرف این منطقه توسط طغرل اول سلجوقی در سال ۴۴۲ قمری.
- حمله سپاهیان سلجوق بن محمد بن ملکشاه سلجوقی و کشتار روستاییان بی دفاع در سال ۵۳۲ - حمله ترکمن ها در سال ۵۵۴ قمری.
- حمله ترکهای خوارزمشاهی به کاشان به سرداری مباجق در سال ۵۹۴ قمری.
- حملات مغولان به سرکردگی چنگیز و اوگتای قاآن فرزند چنگیز و هلاکوخان نواده چنگیز و کشتار مردم بی دفاع به خصوص در شرق کشور در سالهای ۶۲۱ تا ۶۴۹ قمری.
- مهاجرت عده ای از گلکاران استان فارس به قمصر و حومه و آوردن بوته گل سرخ از فارس به این منطقه.
- جنگ آغامحمد خان قاجار با زندیه در حوالی کاشان.
- سیل های ویرانگر متعدد در قزآن و سایر حومه های قمصر و میمه و برزک و کامو و جوشقان و غیره منجمله در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۸۶ شمسی.
- اپیدمی تب راجعه در سال ۱۳۲۴ شمسی.
- خشکسالی های متعدد و چند بار قحطی منجمله قحطی سال ۱۲۹۹ شمسی.
- و دهها اتفاق دیگر قزآن را مورد بی مهری قرار داده است.

وضعیت فرهنگی سابق قزآن

شواهدی وجود دارد که بیان کننده این است که سابقا قزآن صرفا یک روستای کشاورزی و شبانی نبوده بلکه با صنعت و دانش نیز سر و کار داشته است. به بیان برخی شواهد می پردازیم:

- وجود محله ای به نام کارخانه بیانگر صنعتی بودن قزآن در قرون گذشته است.
- وجود باغی به نام کوزه پز نیز بیانگر وجود صنعت سفال و سرامیک در قرون گذشته قزآن است.
- یافت شدن خمره های سفالین رنگرزی و غیره با ارتفاع بیش از یک متر منجمله در باغی به نام خانم بی بی نیز بیانگر صنایعی مانند رنگرزی در قزآن سابق است.
- وجود سنگ قبرهای بزرگ دارای نام بزرگان دوره صفوی بیانگر این است که برخی اطرافیان حکومت و بزرگان کاشان نیز در این روستا می زیسته اند. در مورد شخصی به نام تاج الدین واضح است که در دربارین بوده است به دلیل این که هم کلمه تاج هم کلمه دین از پسوند و پیشوندهایی بوده که جز در نام حکومتیان در جای دیگر به کار نمی رفته است.
- وجود سه قلعه دفاعی نیز بیانگر اهمیت این روستا در دوران گذشته است.

زبان مردم قزآن

زبان مردم فارسی است. البته با مقایسه زبان محاوره ای روستا با زبان محاوره ای تهران یکی دو درصد تفاوت واژه ای وجود دارد. از لحاظ لهجه نیز تفاوت هایی در همه ایران وجود دارد.

حدود بیست سال پیش اقدام به جمع آوری واژه هایی از روستا نمودیم که یا در حال فراموشی است و یا به هر حال با جاهای دیگر متفاوت است. تعداد این لغات بیش از ۱۲۰۰ می باشد. همچنین تعدادی از ضرب المثلها و اصطلاحات رایج همراه لغات گرد آوری گردید.

بررسی این مجموعه و مقایسه آن با فرهنگ لغات سایر مناطق می تواند به شناخت در باره گذشته این مناطق کمک کند.

جشن نوروز

نوروز در قزآن نیز همانند سایر نقاط ایران برگزار می شود. این مراسم شامل دید و بازدید و خوردن شیرینی و آجیل و تفریح و پوشیدن لباس نو و خانه تکانی و مسافرت و غیره است.

دهها سال پیش مردم در یکی از روزهای عید در منطقه کشمرنج اجتماع می کردند و جشن همگانی برگزار می کردند. در آن روز تعدادی داوطلب به اجرای نمایش های سنتی و نواختن دایره و دنبک و رقص می پرداختند و مردم با دست زدن و هورا کشیدن آنها را همراهی می کردند. این مراسم حدود ۳۵ سال پیش منسوخ گشت. شاید علت آن پیدایش تلویزیون و سینما باشد.

یکی از مراسم نمایش اسب چوبی بود که هنوز هم در مناطقی از خراسان اجرا می شود.

در ایام عید بچه ها در کوچه ها و محوطه های کنار ده به بازی هایی مانند گوی بازی، بریک بازی ، گردو بازی و غیره مشغول بودند. بـا مد شدن فوتبال و والیبال این بازی ها نیز فراموش گشت.

مراسم چهارشنبه سوری نیز با روشن کردن بوته توسط بچه ها برگزار می شد. مراسم دیگری شبیه چهارشنبه سوری به نام چهارشنبه سرخه در شب آخرین چهارشنبه ماه صفر انجام می شد. گاه بچه ها بوته ای به نام گون را با ریشه بلند از خاک در می آورند و پس از روشن کردن ریشه اش را گرفته در هوا می چرخاندند و به آسمان پرت می کردند. این کار می توانست برای پشت بام های سقف چوبی کمی خطرناک باشد. به این دلیل بزرگترها تصمیم گرفتند از شدت این مراسم بکاهند. به هرحال مراسم چهارشنبه سرخه به کلی منسوخ شده و چهارشنبه سوری نیز به ندرت اجرا می گردد.

مراسم سیزده بدر با اجتماع بیش از نیمی از مردم در تالار و کوه ونجه انجام می گیرد. در آنجا مردم به صرف چای و خوردن نذری می پردازند. مدتی هم مراسم مذهبی اجرا می شود.

آخرین جمعه سال روز پرس نام دارد. مردم در آن روز به خانه کسانی می روند که شخصی از آنها در آن سال فوت کرده باشد. سابقا این عیادت و دلجویی در یکی از روزهای عید برقرار می شد ولی بیش از پنجاه سال است که روز پرس به قبل از نوروز منتقل گردیده تا ایام غم و شادی مجزا باشد.

علاوه بر تقویم دولتی تقویم دیگری به نام رعیتی (جلالی) در بین مردم مرسوم است که ۱۲ ماه سال هر کدام دارای ۳۰ روز و پنج روز آخر سال به پنجه معروف است. مردم در ایام پنجه به خانه تکانی و خرید لباس و شیرینی و آجیل و تدارک نوروز می پردازند. شب اول اسفند رعیتی که ۳۵ روز پیش از نوروز باشد نیز جشنی برگزار می شود. مراسم شب یلدا نیز همانند سایر نقاط برگزار می شود.

عروسی سنتی

در هر مراسم عروسی حداقل نیمی از مردم شرکت می کنند. بخشی از مراسم و اجرای موسیقی در کوچه ها انجام می گیرد که خود شامل سه مرحله است. یکی بردن سوری از خانه داماد به خانه عروس، بدین شکل که در سینی های بزرگی شیرینی و کله قند و کیسه برنج و خواربار و غیره قرار می دهند و روی آن را با پارچه ای توری می پوشانند و جوانان سینی ها را بر سر گذاشته و به راه می افتند. دوم آوردن داماد از حمام ده به خانه اش است که پدر داماد هدیه ای به داماد می دهد. سوم آوردن عروس از خانه اش به خانه داماد است. داماد به استقبال عروس رفته و خانواده داماد به عروس هدیه می دهند. در تمام این مراحل مردان و زنان آنها را بدرقه می کنند. زنان با گفتن لیلیلیلی و مردان با گفتن شاباش شاباش و دست زدن و مطربان با نواختن دایره و دنبک برای زوج جوان شادی می آفرینند. در خانه داماد از میهمانان پذیرایی می شود.

فامیل و همسایگان و آشنایان روز پس از عروسی در مراسم پاتختی که در اصطلاح محلی جاخالگی گفته می شود هدایایی برای زوج جوان می برند. با روی آوردن مردم به شهرنشینی و مد شدن هتل ها و تالارهای عروسی، مراسم سنتی عروسی در حال منسوخ شدن است.

مراسم مذهبی قزآن

زیارت

در قدیم که مسافرت ها بسیار پرهزینه و مشکل و گاه پرخطر بود روستاییان سعی می کردند برای رفتن به زیارت کربلا یا مکه یا خراسان به صورت دسته جمعی و به شکل کاروان مسافرت کنند. مراسم ویژه ای قبل و پس از مسافرت نیز انجام می شد.

در هفته پیش از مسافرت هر روز زمان غروب دو نفر روحانی یا مومن به بالای پشت بام خانواده های زوار می رفتند و اشعاری با صدای بلند می خواندند که به آن چاوش می گفتند. روز مسافرت نیز زوار توسط چاوش خوانان و گروهی از مردم بدرقه می شدند.

در بازگشت از سفر زیارتی نیز گروه زیادی از مردم و چاوش خوانان به استقبال زوار می رفتند. سپس تا دو سه روز مردم به دیدار زوار می رفتند.

با تسهیل در امور مسافرت ، برخی مراسم مثل چاوش و غیره از بین رفت.

ماه رمضان

هوم بابایی

در شبهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رمضان پسربچه ها در گروه های چند نفری در کوچه ها و پشت درب خانه های مردم مراسم هوم بابایی اجرا می کنند. هر گروه یک سرگروه (میاندار) دارد. سرگروه اشعار خاصی را با صدای بلند می خواند. با خواندن هر مصرع بقیه باهم یکصدا می گویند « هوم بابا ، هوم بابا » برای برخی اشعار به جای هوم بابا می گویند « حق یاعلی مولاعلی » . گاهی هم سرگروه سوره والشمس و ضحیها را خوانده که پس از هر آیه بقیه باهم می گویند « هاهاها - هاهاها » به هر حال پس از خواندن اشعار برای صاحبخانه دعا می کنند. « حق برکتش بده - آمین. حق بچه هاشو بهش ببخش - آمین. ...». در نهایت صاحبخانه در را باز کرده و برای گروه آجیل یا گردو یا بادام یا برگه زردالو و غیره می آورد. بچه ها آنها را در کیسه هایی به نام توشه می ریزند وبه سمت خانه دیگر می روند. در آخر شب توشه را بین خود تقسیم می کنند.

عید روزه

در روز عید فطر مردم پس از آن که نماز عید را در مساجد به جا آوردند به سوی مزار گذشتگان می روند. روی هر آرامگاه گلیم یا فرشی پهن کرده و چای و حلوا و خرما و میوه و غیره خیرات می کنند. یک نفر نیز برای متوفی قرآن می خواند. پس از ساعتی نیمی از مردم به صورت گروهی تمام قبرستان را آرام پیموده و در نقاطی توقف کرده و دسته جمعی برای قبور آن ناحیه فاتحه می خوانند. درنهایت یک قاری با صدای بلند برای تمام گذشتگان دعا کرده و همه مردم را به فاتحه خوانی دعوت می کند. در طول مراسم به افشاندن گلاب و دود کردن اسپند نیز می پردازند.

آثار باستانی قزآن

۱- چاه دیو ، این چاه در دره کبودر قرار دارد. در ته چاه دالانی افقی قرار دارد . در انتهای دالان چاه عمودی دیگری حفر شده و آن طور که می گویند این روال زیگزاگی افقی عمودی تا چند سطح ادامه دارد. قدمت آن معلوم نیست . به احتمال زیاد جویندگان طلا به دنبال رگه ها چاه را به این شکل حفر کرده اند.

۲- قلعه ، کوه قلعه به شکل مخروط و در جنوب ده قرار دارد. در قله کوه قلعه گردی از سنگ ساخته شده است . بیشتر دیوارها تخریب گشته است. قبلا در حاشیه های قلعه اتاقک ها ی سنگی دارای روزنه دیده بانی برای نگهبانی و دفاع وجود داشت. این قلعه هنگام تهاجم یاغیان پناهگاهی برای اهالی بوده است.

۳- ونجه ، کوه پنجه یا ونجه دارای زیارتگاهی است. در قدیم درخت داغاجه ای در آن محل وجود داشت که مردم به آن کهنه می بستند. سپس تالاری در آنجا ساخته شد که هنوز هم وجود دارد. مردم در روز سیزده بدر به این مکان رفته و علاوه بر تفریح

مراسمی مذهبی اجرا می کنند.

۴- تختگاه ، قبرستان قدیمی ده به محوطه ای حصارمانند تبدیل شده بود.

در ضلع شرقی محوطه تخته سنگ های پهن و مسطحی نصب گردیده بود که در روی برخی از آنها نوشته هایی حک شده وجود داشت. واضح بود که این سنگها سنگ قبر افراد برشمالی در قدیم بوده است. هنگام تعریض جاده این تخته سنگها نیز پراکنده شده و ازبین رفت. فقط یکی از آنها به دیوار حسینیه مسجد جامع به طور عمودی نصب گردید. تاریخ حک شده روی آن به دوران سلطنت شاه طهماسب اول صفوی بر می گردد.

سنگ قبر مذکور متعلق است به بانو خاتون بنت تاج الدین متوفی ۹۷۹ قمری. برادر ایشان استاد یوسف بن تاج الدین معمار هنرمند دوره صفویه بود. از جمله آثار ایشان ترمیم و بازسازی ایوان جنوبی (صفه صاحب) از مسجد جامع اصفهان است که در زمان شاه طهماسب انجام گرفته است.

در خانواده تاج الدین افراد سرشناس و علمای معروفی منجمله ملامحسن فیض کاشانی و رفی الدین شاه مرتضی و زهرا خاتون و غیره نیز وجود داشته اند.

سنگ قبر دیگری متعلق به ۸۰۰ سال پیش (دوره خوارزمشاهیان) نیز در این منطقه یافت گردید.

به گزارش برخی از اهالی حدود ۶۰ سال پیش تابوتی حاوی جسد مومیایی یک زن نیز در ناحیه شمالی تختگاه یافت شده و سپس در همان مکان مدفون شده است.

۵- قلعه دختر ، قبر و قلعه ای در دماغه ای معروف به قلعه دختر نزدیک مزرعه جوره. اعتقاد بر این بود که قلعه توسط دختری نیرومند ساخته شده است و قبرا محل دفن وی می دانستند.

۶- قلعه گدار ، در کنار گردنه ای که گدار نامیده می شود قلعه ای وجود داشت. البته از این قلعه تنها زمین نسبتا هموار و شاید برخی سنگهای زیرین دیوار آن به جای مانده بود. به این دلیل جلب توجه نمی کرد و ظاهرا میراث فرهنگی هم به آن اهمیتی نداد . در نهایت مکان قلعه هم ضمیمه بافت مسکونی روستا گردید.

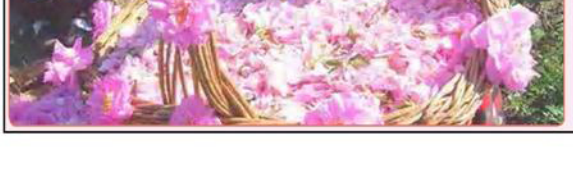

بـا در نظر گرفتن موقعیت و وضعیت قلعه و بـا تحلیل های منطقی می توان تا اندازه ای به قدمت و دلیل احداث آن پی برد.

سازنده قلعه چه کسی بوده؟ از سه حال خارج

نیست ، راهزنان یـا روستاییان یـا دولت. راهزنان نمی توانند این قلعه را ساخته باشند، زیرا این مکان در سر راه اصلی منطقه بوده و راهزنان اولا در لب جاده و در دید مردم اطراق نمی کنند و ثانیا مکان ثابت ندارند که بخواهند برایش قلعه بسازند. روستاییان هم نمی توانند سازنده قلعه بوده باشند ، زیرا در زمان امنیت نیاز به قلعه نداشته و در زمان ناامنی هم یا پراکنده شده و یا به جاهای مخفی پناه می برند. پس تنها سازنده قلعه می تواند دولت باشد که در لب جاده و در مکانی نسبتا بلند مشرف بر دو ناحیه قصمر و قزآن و به رسمی و علنی و به منظور حفاظت آن را ساخته باشد.

این مکان کاروانسرا و استراحتگاه هم نبوده زیرا مکان بیتوته کاروانیان را به دور از چشمه یا رودخانه نمی سازند. مکانی اعیانی هم نبوده زیرا آن را با آجر نساخته اند. تنها می توان آن را قلعه ای نظامی و صحرایی و موقت دولتی دانست.

از طرفی فرسودگی بیش از حد و محو شدگی قلعه بیانگر قدمت زیاد آن است. با بررسی و مطالعه تاریخ و با نگرش به جنگهایی که اطراف کاشان اتفاق افتاده، محتمل ترین دوره برای احداث قلعه را بایستی دوره سلجوقی دانست. زیرا در آن دوره کاشان و اصفهان جزو مقرهای دولت بود و گزارش هایی از حمله شاهزادگان سلجوقی از اصفهان به کاشان وجود دارد که قشون آنها در مسیر خود روستاهای قزآن و قمصر را نیز غارت کرده اند. سلجوقیان حدود نهصد سال پیش در ایران حکومت می کردند.

۷- آسیاب های آبی ، دو آسیاب وجود داشت که با آب می چرخیدند. حدود ۳۵ سال پیش آسیاب ها از رونق افتادند و به انباری برای آسیابان تبدیل شدند. هرچند قدمت آنها زیاد نیست ولی به دو دلیل می توان آسیاب ها را جزو آثار باستانی به حساب آورد، یکی این که آسیاب های ۲۰۰۰ سال پیش با آسیاب های ۵۰ سال پیش تفاوت زیادی نداشتند و دیگر این که آسیاب به هر حال در همه جا غیر قابل استفاده شده و تخریب شده است. اگر سنگ های آسیاب هنوز از بین نرفته باشد بقیه قسمت های آسیاب قابل بازسازی است. البته نه در حد کاربردی بلکه اگر شکل ظاهری آسیاب ها هم ترمیم شود می تواند به عنوان یک صنعت باستانی در معرض دید نسل های بعدی و گردشگران قرار گیرد. به خصوص که آسیاب ها در کنار رودخانه و طبیعت قرار دارند.

روستای قزآن

این روستا در ۵ کیلومتری جنوب غربی قمصر کاشان قرار گرفته است. قزآن سردترین روستای کاشان بوده و آب و هوای بسیار دلپذیر دارد.

زبان مردم فارسی و نژاد آنان آریایی و مذهب آنان تشیع است.شغل غالب مردم فالبی باقی و کشاورزی است.

محصولات قزآن منجمله گلاب و الوچه و سایر میوه های آن از نظر کیفیت بی نظیر یـا کم نظیر است.

مزارع روستا عبارتند از : بیشه - جلالی - چنبه - موشانه - محله پایین - اسپچال - روخانه رود - چالوه - دشت ده - علوی - معین الدین - ورساجه - زمیانه - سربرتپره - تپره پایین - تپره بالا - میشان - اوپرنگ -خشت لایسفید - دره عبدالله - لمیاره - دره کنده - دره میرزا - تخت پهه - دره فراخه - چاه ذغال - پانگستان - لاچناره - بنگهوزه - پارسنگ - رضاآباد - حسنگان - کبودر - محسن آباد - سربیشه - ورندون - پاگدارجور - قلعه دختر - جوره - گرگش - آندل و غیره.

قله معروف گرگش با ارتفاع ۳۵۸۸ متر از سطح دریا در انتهای غربی روستا قرار داشته و در برخی قسمتهایش حتی در تابستان دارای برف است.